

راهروه‌های دادگاه

کتاب پیدا درستی

قلب نا آرام مادر در مشت نگاههای لرزان متهم!

تیره ای که به سر داشت چهره ی او را شکسته تر کرده بود و با لهجه ای در صحبت هایش نمایان این بود که اهل یکی از روستاهای شهرمان می باشد .
بعد از سلام و احوالپرسی ، خواستم دلیل آمدنشان را به دادگاه را بدانم .

آن خانم با نگاهی که با قطره های اشک و با صدایی که توام بود از رنج بسیار ، مرا براندازی کرد و گفت : خانم می خواهی که من چه بگویم از کدام دردم از کدام بدبختی ام برایت بگویم .کمی مکث کرد انگار بغض گلویش را فرو می برد گفت:این جوان را که می بینی (با دست اشاره ای به پسر جوان)پسر بزرگ من است .من ۵ فرزند دارم چهار تا دختر و یک پسر(باز هم به پسر جوان اشاره کرد)،وقتی آخرین دخترم چهار سال داشت پدرشان بر اثر سانحه ای درگذشت . من ماندم با بچه های قون نیم قدی که باید خودم به تنهایی آنها را بزرگ و به سرو سامان می رساندمشان . آن موقع بخاطر اینکه بچه هایم کمبودی در زندگی احساس نکنند



خودم

کار به هر

کار ری

مشغول کردم از کارگری در مزارع تا خانه این همسایه و آن همسایه ،با اینکه برایم خیلی مشکل و سخت بود ولی وقتی راحتی و شادی بچه هایم را می دیدم خستگی و تمام غصه هایی که تمام روز داشتم را فراموش می کردم و برای هر کدام از آنها آرزوهای قشنگی را در سر می پیوراندم .

بچه هایم بزرگ شدند و موقعی که دخترهایم باید تحصیلاتشان را تمام می کردند عموهایشان مانع از رفتن آنها به مدرسه و ادامه تحصیل شدند .(با به ای به سینه که نشان از دردی بزرگ بود)آخر من نمی دانم آن موقع که بچه هایم کوچک بودند ، آن موقع که من یک زن جوان بودم و برای سیر کردن شکم بچه هایم به هر دری میزدم چرا پدایشان نبود؟ چرا پادای آن ما نمی کردند؟پسرم هم وقتی به سنی رسید که از نظر خودش خوب و بد را از هم تشخیص می داد)البته اگه می داد ،چون اگه اینطور بود خانواده اش را گرفتار دادگاه نمی کرد(شروع کرد به نحوی ما را رنجاندن

وقتی از میدان ابوتر (التوتاج)و از کنار دادگاه می گذریم با خیل عظیمی از مردم مواجه می شویم . همیشه از خودم می پرسیدم که انسانها چقدر می توانند درد و مشکل داشته باشند که هر روزخدا راهروهایی دادگاه شلوغ و مملو از کسانی است که هر کدام به یک نحو از مشکلی رنج می برند و آنقدر تحت فشار قرار گرفته اند که حتی حاضرند با بچه های کوچک بغل گرفته ساعتها در راهروهای دادگاه به انتظار بایستند یا آنقدر از زندگیشان خسته شده اند که برای نجات جان خود و فارغ از مشکلات زندگی از تمامی حق و حقوق خود می گذرند و با جوانانی که با یک سهل انگاری فاجعه ای را ناخواسته بوجود می آورند . این تصورات حس کنجکاو ی و کاوش را در من ایجاد کرد . حقیقتا که کجا با قهیدن و پاسخ دادن به سئوالات ذهنی باعث شود از زندگی دیگران تجربه و فهم بیشتر کسب کنم و به این خاطر ترجیح دادم ساعاتی از اوقات خود را در راهروهای دادگاه برای یافتن پاسخ به سئوالات بیشمار بگذرانم .

وارد دادگاه که شدم ،بعد از بازرسی و گرفتن گوشی همراهم با سالتی رویرو شدم که مملو بود از جمعیت .به قیافه هر کدام که نگاه می کردم پر بود از رنج و مشکل مربوط به خود . دلم می خواست آنقدر زمان داشتم که از هر کدام آنها در مورد مشکلاتشان سئوالاتی بپرسم و آنهاهم بود.در میان آن جمعیت تعدادی خانم نظر مرا به خود جلب کرد ، وقتی نگاهشان کردم متوجه استرسانشان شدم که مشخص و معلوم بود از یک مسئله نگران و بی نهایت دلواپس هستند .

یک جوان دستبند زده که خیلی ساکت ، آرام و سری به پایین انداخته روی نیمکت کنارشان نشستم بود . چهره اش نمایان این بود که نمی تواند سنی داشته باشد و بسیار مشوش بود . با این ذهنیت که یک جوان با این سن کم باید در مکانهای ورزشی ، در هنگام خواندن کتوب درسی و یا مسائل اخلاقی خودشود چه کاری می تواند انجام داده باشد که با یک دستبند و با حال پریشان و با خانواده ای دردمند در گوشه ای از راهروی دادگاه به انتظار وقت دادگاهیش باشد، به جلو کشیده

بچه هایم بزرگ شدند و موقعی که

دخترهایم باید تحصیلاتشان را تمام

می کردند عموهایشان مانع از رفتن آنها

به مدرسه و ادامه تحصیل شدند .

(با یه آهی در سینه که نشان از دردی

بزرگ بود)

شدم.

کنار یکی از خانمهایی که همراه پسر جوان بود و چهره ای مسن تر از آنها را نشان می داد ایستادم به چهره اش خیره شدم ،بسیار تکیده و رنجور بود با چادر کلفت و به رنگ

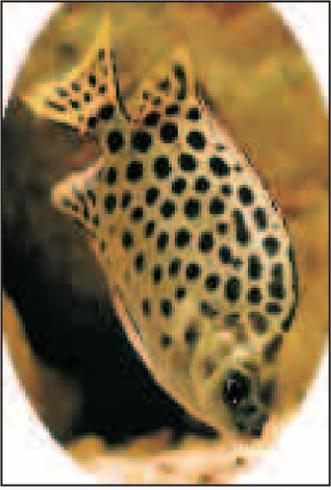
● اسکات

معرفی:

این ماهی در آبهای شور و تلخ زندگی می کنند اما در آب شور و شیرین هم زنده میماند و بهترین شرایط برای زندگی این ماهی، یک قاشق سوخپوری نمک درآبی در هر ۲۰ لیتر آب استاین ماهی ها بسیار پر جنب و جوش هستند و بسیار قوی و زیورک- البته تا اندازه ای ماهی های دیگر را ازبیت می کنند ولی در کل می توان با دیگر ماهی ها ننگ داری کرد.این ماهی ها علاقه ی زیادی به پنهان شدن در بین گیاهان و تخته سنگ ها دارند بنابراین بهترین اکواریموم برای آنها اکواریموهای مردابی و سخره ای می باشد. آنها بیشتر در آبهای شور تخم ریزی می کنند اما در آب شیرین نیز در سنین بالا تخم ریزی می کنند که البته به سختی و با حفظ شرایط سخت تخم ها به لارو تبدیل می شوند.این ماهی ها در آبهای نسبتا شور بیشترین رنگ آمیزی را در بدن خود دارند .

آناتومی:

این ماهی از نمونه ی دیسک ماهی ها می باشد که از پهلو پهن می باشد و یاله ی بالائی آن سرتاسری است و از دیگر خصوصیات آناتومی این ماهی میتوان به سر نا مشخص و یاله های کوتاه ولی پر تحرک این ماهی اشاره کرد . تغییر مسیر در هنگام شنا در این ماهی توسط انتهای یاله های بالائی و پائینی انجام می شود و اندکی توسط دم ماهی .
رژیم غذایی:این ماهی ها از دسته ی همه چیز خوار می باشند



ولی عده ای آنها را در دسته ی گیاه خوران قرار می دهند که شامل گیاهانی مانند کاهو اسفناج و حتی بعضی از گیاهان اکواریمیومی مانند اولونتا را هم به خوبی می خورند (البته این از بدبهای آنها است) از دیگر غذاهای مورد پسند آنها می توان به جلگ درآبی خشک شده،کاهو،تخم میگوی آب شور و غذای خشک اشاره کرد.

نگهداری:روش نگهداری آنها بسیار ساده و راحت میباشد و چون همه چیز خوار هستند می توان از انواع غذاهایی که در بالا گفتم استفاده کرد.
یکی از مشکلاتی که در مورد این ماهی وجود دارد این است که به دلیل پر خور بودن باید فیلتراسیون اکواریموم قوی باشد و هر چند وقت یکبار آب کف را سیون کرد و حتی با تعویض کامل آب هم مشکلی ندارد و میتوانت تا درجات بالای نیترات را تحمل کند .

رنگ:

رنگ این ماهی با توجه به غذایی که می خورد تغییر می کند . در کل بدن این ماهی از چند رنگ شامل سبز ، بنفش ، سیاه ، زرد ، قهوه ای ودر ناحیه ی شکمی سفید می باشد.اگر در رژیم غذایی این ماهی گوشت زیاد باشد رنگ بنفش و قهوه ای این ماهی نمای بیشتری پیدا می کنند و اگر رژیم سبزیجات باشد رنگ سبز و زرد نمای بیشتر پیدا می کنند.

تشخیص جنسیت:این ماهی ها دارای شکمی سفید هستند که در ماده ها این لکه سفید فقط در زیر باله ها ی پائینی می باشد ولی در نرها از زیر آبششها شروع می شود.

می شود ولی برای کدهای ضعیف زیان آور

است.انجیر در رفیع بواسیر،صرع، جنون و سواس اثرات تیگویی دارد.

و دهان شویه با جوشانده انجیر خشک، ورم لثه، ورم دهان و ورم گلو را درمان می کند.

اگر برگ خشک کرده درخت انجیر را بگویند

در سرکه بخسبانید و به پوست بدن که پوسته پوسته می شود بمالید اثر شفابخش دارد.

برگ خشک کرده درخت انجیر را بکوبید و در آنجیر نموده و بر سر یا ابرو بمالید،ریزش مو را بر طرف می کند. در پرورش هوش و حافظه بسیار مؤثر است.سرشار بودن انجیر

از پتاسیم تأمین کننده سلامتی کودکان ضعیف و کم خون و بی اشتها است. اگر انجیر و عسل را به طور مساوی با هم مخلوط کنید جهت زخم معده بسیار مفید است. انجیر به علت داشتن پتاسیم، درجه قلیایی بودن بدن را بالا برده و در رفیع اوره و چربی بدن بسیار مؤثر است.

انجیر می تواند در بیماران مبتلا به عدم کفایت کبد و رماتیسم مزمن مؤثر باشد. انجیر هر قدر تازه تر باشد قدرت پاک کنندگی و خواص آن



مجیدپوربلیغی

بسیار تکیده و رنجور بود

با چادر کلفت و به رنگ تیره ای

که به سر داشت چهره ی او را شکسته تر

کرده بود و با لهجه ای در صحبت هایش

نمایان این بود که اهل یکی از روستاهای

شهرمان می باشد

بعد از اینکه حالم کمی جا آمد رفتم دنبال پسرم ولی هر جا

که گشتم او را ندیدم .نمی دانستم کجا رفته است از کسانی که آن موقع به نام دوست همراهش بودند پرسیدم که هر کدام چیزی می گفتند .یکی از دوستانش که بیشتر می شد از دیگران رویش حساب کرد گفت : بر سر موضوعی که از آن طرف دوستانش تحریک شده بود با آن پسر گلاویزمی شود و از جاقواش استفاده می کند و در آن لحظه هم حالت عادی نداشته است . موقعی که آنها را از هم جدا می کنیم متوجه می شویم که محمد(پسرمرجوح) پز از خون است و به شدت از او خون می رود .علی (پسر جوان)وقتی این صحنه را می بیند فوراً از آنجا دور می شود و دیگر نمی دانم کجا رفته است .

دو یا سه روزی از این ماجرا می گذشت و من از پسرم بی خبر بودم تا اینکه در چهارمین روز به ما خبر دادند که او را در بندرعیاس گرفته اند .ما هم فوراً خودمان را به اینجا (بندرعیاس) رساندیم و امروز هم وقت دادگاهایش است و ما منتظر این هستیم که ببینیم پسرمان چه وضعیتی پیدا می کند . با شنیدن این ماجرا از زبان زنی که با هزار بدبختی فرزندانش را به این سن رسانده و آنها را با درهم شکستن خود بزرگ کرده است برایم درد آور بود .

من از آن خانم با آرزوی موفقیت برایش دور شدم . ولی در راه باگفتش باز هم سئوالاتی در ذهنم شکل گرفت که آخر چرا پسری با این سن و سال باید با ندانم کاری به این وضعیت دچار شود که سرنوشت خود را چنین رقم زند .در حالی که باید سال آخر تحصیل را بگذراند و به فکر کار یا ادامه تحصیل باشد؟ چرا باید بجای پاسخ به زحمات مادر رنج دیده اش ، او را با این سن در یکی از راهروهای دادگاه اسیر خود کند؟

با آرزوی موفقیت بر همه جوانان و با آرزوی اینکه روزی رسد که همه جوان معنی کامل "خوب" را از بد تشخیص دادن" را بدانند خودم را به خانه رساندم .

می خواهم "من بی دروغ شوم"!

تیرهای نور بر جان شهبایم رخنه می کند !

ثانیه هایم،آویز لحظه های بعد واضح نزدیک می شود

می خواهم علقه های که زندگی در من ریخته ، بسوزانم

و مشت بی تاب قلبم را زیر باران ستاره ها بگیرم !

سایه های تردید و پلیدی ها ;

برآسمان سرزمین ایمانم جولان می دهد!

می خواهم از این بی ایمانی رها شوم ;

از حضار تنگ بودن و زیستن

از عقده های امروز ، برای فردا !

از عشقهای زندگی زده ،

از مردمان شهر لریز از گرد و غبار نفسها !

می خواهم پر از عشق شوم ،به دعا

در ابدیت اردو بزم ، به خود آگاهی !

سیل مهاجمی از سکوت ، خود را به دره ذهنم می زند

و پرهیایو ، بر بستر دره می دود !

سکوت اسرار آمیز ;

این کویر بی فریاد اقاگرم !

بر رنگهای درهم خزیده گلوگاهم می نغزد

ودزدانه در کاسه ی التهامی می ریزد!

می خواهم فریاد شوم ، عمیق و بزرگ

به وسعت ذرات کویر!

بال بگشایم ،راه بگشایم و بیابویم ;

به سقف رستن های ابلهی !

من به تولدی دیگر می اندیشم!

به انتهای جاده ی غمبار انتظار

این فریاد ، این صدا زدن ،این رسیدن به خود؛

این پنجه ی رو به خدا ! سهم من است!

من تشنه ی بوسه ی یک خورشیدم

این بوسه سهم من است !

می خواهم من بی دروغ شوم !!

و دگر هیچ ...

زهرا ییکلری (غریبه)

با شستشو و ضدعفونی کردن میوه ها و سبزیجات

از ابتلا به بیماری های انگلی پیشگیری نمائیم

● روابط عمومی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی در مانی هر مزگان (کمیته آموزش همگانی سلامت)

